+ در «قفسه» بخوانید

## قصه قانون به روایت قیصری

گپ و گفت با بهروز افخمی، کارگردان سریال «رعدوبرق»

## از بازنشسته‌ها استفاده نکرده‌ام!

۶

جام جم

WWW.JAMEJAMDAILY.IR

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

سه‌شنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۲۷ شعبان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۶۴۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2020 April 21

گفت‌وگو با مدیر کمیته اپیدمیولوژی کووید-۱۹ درباره آمار مبتلایان کرونا و آینده این بیماری

# کرونا به این زودی‌ها رفتنی نیست

۱۸

پرونده کوچک جام جم برای شصت‌ویکمین سالروز تولد قیصر امین‌پور

## فصل تولد تو باید بهار باشد

باگفتارهایی از:

- پرویز بیگی حبیب‌آبادی
- حسام‌الدین سراج
- افشین علا
- بیوک ملکی
- محمد میرکیانی

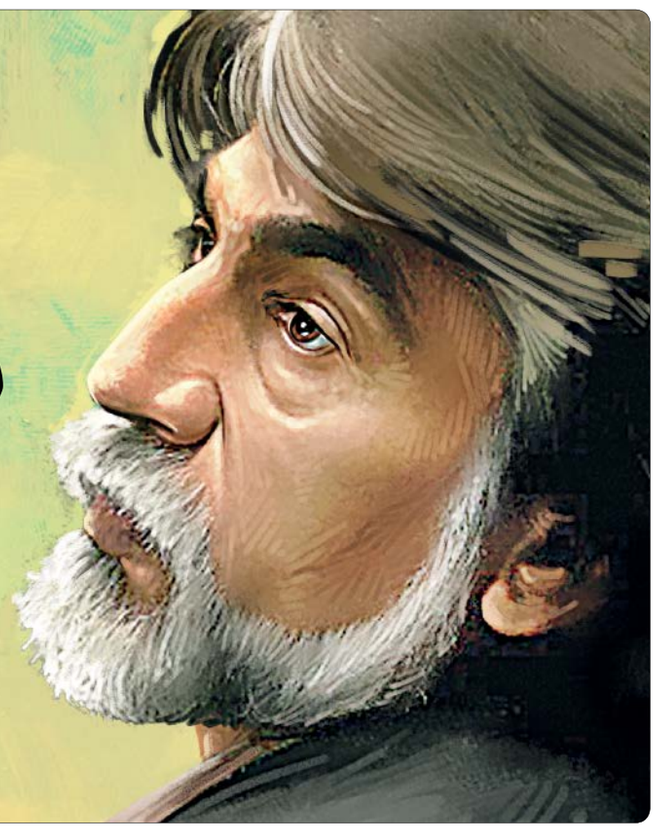

طرح: احسان نجفی | جام جم

۱۰ و ۱۱

دفاع از ارز ۴۲۰۰ تومانی یک بار دیگر صدای منتقدان را بلند کرد

## اصرار اسحاق بر دلار جهانگیری

روز گذشته اسحاق جهانگیری یک بار دیگر از پدیده‌ای به نام دلار ۴۲۰۰ دفاع کرد. او دیدگاه کارشناسان و منتقدان درباره رانت‌آفرین بودن این سیاست ارزی را نادرست خواند و آن را اقدامی برای حفاظت از معیشت مردم توصیف کرد. این اصرار جهانگیری به دفاع از آنچه به نام خودش یعنی «دلار جهانگیری» معروف شده، یک بار دیگر صدای منتقدان را بلند کرد. اقتصاددانان معتقدند ادامه اختصاص این ارز نتایج فاجعه‌باری خواهد داشت.

۳

محمد غرضی از اعضای هیات موسس سپاه:

## اسم «سپاه پاسداران» ابداع من بود

امروز دوم اردیبهشت، سالروز تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. این نهاد اگرچه این روزها آنقدر قدرتمند است که خواب‌های آمریکا در منطقه را پریشان کرده و همیشه به عنوان یک عنصر تاثیرگذار در تحولات منطقه‌ای حضور دارد، اما مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده و دوره‌های مختلفی را از جمله آشوب‌های اوایل انقلاب، جنگ تحمیلی، سازندگی و تروریسم منطقه‌ای آمریکا، گذرانده است.

۲

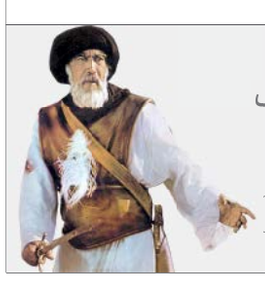

به بهانه تولد آنتونی کوئین نگاهی داریم به ۲ بازی ماندگارش در فیلم‌هایش محمدرسول ا... (ص) و عمرمختار

## از شکارچی شیر تا شیر صحرا

۱۲

بیشتر بخوانید

هند در حال زمینه چینی برای انزوای مطلق مسلمانان در بحبوحه شیوع کروناست

## آپارتاید هندی

۸

گفت‌وگو با حسین رضازاده که به‌تازگی سرپرست انجمن پاراوزنه‌برداری شده است

## وزنم شده ۱۳۰ کیلو

۴

در این روزهای کرونازده، روش تدریس آقامعلم خوزستانی با بقیه معلم‌ها فرق می‌کند

## برای آن ۱۰ نفر

۱۳

یکی از قاتلان صادق برمکی قبل از قصاص در زندان جان باخت

## جنجال مرگ قاتل «صادق»

۱۹

یادداشت

## سپاه، نیروی متراکم ملت ایران

سردار یدا... جوانی

معاون سیاسی سپاه

پس از روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب مجموعه‌ای از نیروهای انقلاب گروه‌هایی را با هدف حفاظت از نظام اسلامی شکل دادند و در نهایت در دوم اردیبهشت ماه با تجمیع این گروه‌ها، سپاه پاسداران تاسیس شد. در حقیقت افرادی سپاه را تشکیل دادند که از جنس مردم و از جوانان پیشتاز انقلاب برای پاسداری از انقلاب بودند.

در همان ابتدای انقلاب، دشمنان مصمم به شکست نظام جمهوری اسلامی بودند اما سپاه توانست توطئه‌های دشمن برای ایجاد ناامنی و همچنین تجزیه برخی مناطق کشور از جمله خوزستان، سیستان و بلوچستان، کردستان و... را خنثی کند. نقش سپاه و درخشندگی این نهاد انقلابی در ماه‌های اول پیروزی انقلاب رقم خورد. همچنین سپاه در هشت سال جنگ تحمیلی کارنامه درخشانی از خود به جای گذاشت. کسانی که این جنگ را طراحی کردند اطمینان به شکست ایران داشتند اما در این جنگ سپاه به کمک ارتش و نیروهای مردمی رفت یک وجب از خاک کشورمان کم نشد.

همچنین در همان دهه اول انقلاب، سپاه در کنار دفاع مقدس ماموریت‌هایی در جهت خنثی‌سازی توطئه‌ها از جمله ترورها، بمب‌گذاری‌ها، ناامن‌سازی پروازها و... داشت که در آنها موفق شد.

پس از جنگ نیز سازندگی کشور و البته توطئه‌های دشمنان در قالب‌های دیگری از جمله جنگ اقتصادی استمرار یافت اما سپاه به میدان آمد و ظرفیت‌های خود را برای کمک به دولت‌ها فعال کرد به‌گونه‌ای که امروز دشمنان متوجه شده‌اند در جنگ اقتصادی شکست خورده‌اند.

همچنین مجموعه‌های متعلق به سپاه در کنار دیگر مراکز علمی کشور نقش بالایی در پیشرفت‌های علمی داشته‌است و در خنثی‌سازی جنگ‌های نرم و فتنه‌ها از جمله فتنه ۸۸ نیز نقش سپاه را می‌توانیم نقشی برجسته ببینیم.

در سال‌های اخیر نیز شاهد جنگ‌های نیابتی در منطقه از جمله در سوریه، عراق و افغانستان هستیم و دشمنان با راه‌اندازی گروه‌های تروریستی به دنبال ایجاد زمینه برای تکرار این اقدامات تروریستی در کشورمان بودند؛ اما سپاه با تقویت مقاومت در منطقه جبهه‌ای قوی را شکل داده و توطئه‌های آنها را در منطقه خنثی و از امنیت کشور پاسداری کرده‌است. سپاه همچنین روز به روز بر توان دفاعی کشور افزود که نمونه آن اقتدار موشکی کشورمان است و می‌بینیم چگونه ایران به مرزهای برخورداری از قدرت بازدارندگی دفاعی و نظامی رسیده است و وقتی سردار سلیمانی به شهادت رسید سپاه پاسداران در واکنش به این اقدام آمریکا، پایگاه راهبردی آمریکا در عین الاسد را به عنوان دفاع مشروع مورد تهاجم قرارداد.

در کنار همه این اقدامات سپاه در مقابله با توطئه‌ها، باید به نقش این نهاد انقلابی در سازندگی و خدمت به مردم اشاره کنیم به گونه‌ای که سپاه در کنار پاسداری از انقلاب در همه حوادث طبیعی از جمله سیل، زلزله و مورد اخیر یعنی بیماری کرونا نیز در کنار مردم بوده‌است که در این ارتباط مردم سپاه را در جای‌جای کشور و در کنار خود می‌بینند؛ چراکه سپاه از ملت و برای مردم است.

امروزه سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا قرارگرفته و دلیلش این است که دشمنان اصلی ملت ما تجلی نیروهای ملت را در سپاه می‌بینند و چون دشمنان به دنبال غلبه بر ملت ما هستند، می‌خواهند این نیروی متراکم ملی در نهاد انقلابی سپاه را به شکل‌های مختلف تخریب کنند. البته در این زمینه نیز ناموفق خواهند بود زیرا ملت ایران ملتی هوشمند و قدرتمند است. باید این مطلب را به دشمنان تفهیم کنیم که ملت ایران شکست‌ناپذیر است و شکست‌ناپذیری سپاه نیز به دلیل شکست‌ناپذیری ملت بصیر ماست. اگر سپاه در چنین جایگاهی قرار دارد به این دلیل است که تحت امر ولایت است و هر آنچه دارد محصول فرمانبری مطلق از ولایت است.

نگاه

## ۲ جفت از همین کفش‌ها

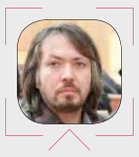

سیدرضا محمدی

شاعر

من شاید بهترین دوست قیصر نبودم، اما قیصر بی‌تردید بهترین دوست من بود. هر روز قبل از این‌که به دفتر خودمان، سروش جوان بروم، در طبقه سروش نوجوان گیر می‌کردم. در اتاقی که بیوک ملکی و قیصر امین‌پور بودند؛ دو نمونه مثالی انسان، دو نمونه مثالی شاعر. اولین بار، من نوجوانی عاشق شعر در مشهد بودم که آقای امین‌پور برای نمایشگاه کتابی آمده بود، سلام کردم و انگاری با رفیقی هم‌قد خودش سخن بگوید، برای من از شعر گفت و در صفحه آخر دفترچه‌ام شعری نوشت که: «بیا که یک دل و یک دست و یک زبان باشیم...»

دیدار دوم زیاد طول کشید. من شاعری نامجو در کنگره شعر اصفهان بودم. شعرخوانی من که تمام شد در میان تشویق‌های بی‌امان حضار، دنبال قیصر می‌گشتم که ببینم چه رعنایی‌ها می‌کنم و قیصر نبود. غم درون، به حیاط دانشگاه آمدم، قیصر مقابلم، گفت؛ من تشویق‌ها را شنیدم و شعرت را نه، حالا چه کنیم؟! آقای ملک، شهردار اصفهان هم برای احوال‌پرسی‌اش آمده بود، گفت؛ آقای شهردار! اگر هر دو درخواست بدهیم شاید شعر را بخواند. نمی‌توانستم اشک‌هایم را بگیرم...

بار سوم، تازه در سروش، کار گرفته بودم. دمپایی چرمی به پایم. دم در راهم نمی‌دادند، قیصر داشت بیرون می‌شد، انگار هیچ ماجرا را ندیده گفت: مبارک است کار، باید رستورانی مهمانت کنم. تا جواب بدهم دستم را گرفته بود و جلوی مغازه کفش‌فروشی بودیم.

ـ چه کفش‌هایی!؟ به نظرت کدامش برای من خوب است؟!

و بعد

ـ آقا دو جفت از همین کفش‌ها...

گفتم، نه .... او گفت که این شیرینی کارت....

آخرین بار هم که دیدیم، وقت‌های تلخ دیالیزش بود. شاعری که مثل جان دوستش می‌داشتم تصادف کرده بود و پول نداشتیم ما. قیصر گفت زنگ بزنیم به خانم راکعی که نماینده است. خانم راکعی، ده تا شناسنامه برای ده وام پنجاه‌هزاری می‌خواست. من یکی هم نداشتم. یک کارت مهاجرین داشتم که به آن فحش هم نمی‌دادند چه برسد به وام. یک آدم دیگر، صندوق قرض‌الحسنه داشت و پول نداشت. یکی دیگر، یکی دیگر... همه راه‌ها به نرسیدن ختم می‌شدند. دم غروب زنگ زد که بیا پایین کارت دارم. یک خریطه پر از پول پیش‌اش بود. نگفت پول دیالیز خودش است، نگفت پول ذخیره زندگی‌اش است، اما گفت این را ببر بیمارستان، اما اسم از من مبر...

بعد من از غربتی به غربتی دیگر افتادم و نشد خداحافظی کنم با او که از عزتی به عزتی دیگر برای همیشه اما می‌رفت.

قیصر تجسم یک شاعر بزرگ بود. تجسم یک شاعر واقعی. اگر شعر زلالی مطلق جان آدمی است. اگر شعر، پناهگاه شعور و تکیه‌گاه دل است. اگر شعر برای این خلق شده که انسان را پاس بدارد و انسان بودن را به یاد بیاورد و سلوک کمال انسان باشد. شاعری مثل او را نمی‌توان یافت. سال‌ها گذشته و من شهر به شهر جهان به دیدن شاعران بسیاری رفته‌ام اما فقط او بود که نمونه مثالی شاعر بود. برای همین شعرش مثل خودش دوست‌داشتنی است. برای همین می‌توانست برای بچه‌ها شعر بگوید. شاعر کودک و نوجوان، باید خیلی دل و جانش جوان باشد و زلال همان‌طور که او بود. که بتواند بنویسد: پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا / خانه‌ای دارد کنار ابرها

برای همین، مجله سروش نوجوان، براده‌های ماه بود ریخته روی کاغذ و خوشا به نوجوانانی که با این مجله بزرگ شدند. درباره همه چیزهای مهم می‌شد در آن روایتی یافت اما انگاری از حریر ماه، صافی شده باشند. بی‌دریغ گریه و خنده، بی‌تکلف آداب و رسوم، با جنونی جوشیده از جان زلال. فقط خودش نبود همه زندگی‌اش بود، شعرهایش، درس دادنش و مجله سروش نوجوانش. شاید بهترین وصف این حال شعر فرخانی است برای او که،؛

ذبح رودخانه در مسیر باغ ارغوان تو بهتری / سردبیر و ساقی سروش نوجوان تو بهتری؟!

دیدگاه

## تصمیم ۲ ساعته خانمان‌برانداز

مجید شاکری

اقتصاددان

ابتدای سال ۹۷ بود که دولت طی دو ساعت تصمیم گرفت ارز را تک نرخی کند و معاون اول رئیس جمهور در آن زمان این تصمیم را با قاطعیت اعلام کرد. از آن زمان تاکنون ارز ۴۲۰۰ تومانی پرداخت شده اما به دلیل تفاوت زیادی که با نرخ بازار آزاد داشت، رانت و فساد را به دنبال داشت. در بهمن ماه ۹۷ کالاهایی که با دلار ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شدند خود را با دلار ۶۵۰۰ تومانی هماهنگ کرده بودند. این در حالی بود که اغلب کالاها برای واردات، ارز با نرخ ۴۲۰۰ دریافت می‌کردند اما چندی بعد دولت تصمیم گرفت تنها برای کالاهای اساسی دلار ۴۲۰۰ تومانی اختصاص دهد.

رفتار واردکننده هم در این زمینه باید مورد واکاوی قرار بگیرد. واردکننده‌ای که دلار ۴۲۰۰ تومانی دریافت کرده برای این‌که نظر سیاستگذار را جلب کند در ابتدای زنجیره، کالا را با همان نرخ عرضه می‌کند اما این واردکننده سود خود را در مراحل بعدی متناسب با ارز آزاد تعیین کرده و از بخش پایانی زنجیره درآمد زیادی به دست می‌آورد. اگر گزارش‌های بهمن ۹۷ را به‌روزرسانی کنیم قیمت کالاهای مشمول دلار ۴۲۰۰ در ابتدای زنجیره پایین نگه داشته شدند اما از زاویه مصرف‌کننده نرخ کالاها به ارز آزاد نزدیک است. به عنوان مثال دولت بیان می‌کند کنجاله با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد شده اما مصرف‌کننده که کنجاله مصرف نمی‌کند و پس از فرآوری تبدیل به روغن شده و بعد مورد مصرف قرار می‌گیرد. این رفتار دوگانه پیام‌های متفاوتی دارد؛ متفاوت از این سو که دولت معتقد است برای حمایت از معیشت مردم دلار ۴۲۰۰ تومانی پرداخت می‌کند اما مصرف‌کننده به دلیل اینکه کالاهای مشمول ارز یارانه‌ای را باید با نرخ ارز آزاد دریافت کند ناراضی است.

ارز ۴۲۰۰ تومانی به هدف اصلی خود نرسیده اما با این حال دولت می‌تواند کالاهایی را معرفی کند که با این نرخ وارد کشور شدند و در بازار عرضه می‌شوند. از سوی دیگر کارشناسان اقتصادی حذف ارز یارانه‌ای را مطرح می‌کنند اما باید توجه داشت واکنش کالاها نسبت به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی متفاوت است. همه کالاها مانند گوشت نیستند که با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در بازار ارزان شوند و باید در این زمینه حساسیت بیشتری به خرج داد. کسانی طی دو ساعت یک تصمیم خانمان‌برانداز گرفتند و اکنون نمی‌توان در دو ساعت تصمیم آنها را خنثی کرد و باید در این زمینه مطالعه بیشتری انجام شود و هر تصمیمی که گرفته می‌شود به نفع عامه مردم باشد.

خودنویس

## زنی سخت جگرآور

حامد عسکری

شاعر و نویسنده

درست همان لحظه‌ای که داشته ذوزنقه‌ها را می‌کشیده احتمالا. درست همان لحظه‌ای که داشته ذوزنقه متوازی‌الاضلاع و متساوی‌الساقین را توضیح می‌داده. همان وقتی که می‌خواسته شاید محیط یا مساحت‌شان را تدریس کند اتفاق افتاده. همان لحظه یک تسبیح عقیق توی دلش پاره شده. همان لحظه مکثی کرده و متوازی و متساوی را قاطی تلفظ کرده شیطان را لعنت کرده و بقیه تدریسش را ادامه داده. درست همان لحظه گاو میشی وسط شط ماغ کشیده. همان لحظه ساری از سر شاخه پریده و دانه سبز کُناری روی زمین افتاده... کی و کی و چه جوری خبر را ریخته‌اند لابه‌لای کلمات و رسانده‌اند به گوشش خدا می‌داند. خبر کوتاه بوده؛ پسرت توی شط غرق شده... غرق شدن معمولی نه، رفیقش داشته غرق می‌شده پسرت رفته به اتمام رفاقت، آب که این مروارید را دیده چه مردانگی دارد برش داشته برای خودش.

درام اما اینجای قصه به اوج می‌رسد. جلوی دوربین بوده. وقت کلاس آنلاین. پیش چشم حداقل سی چهل بچه دیگر... ادامه داده... ذوزنقه را ادامه داده و به این فکر کرده از امروز به جای پسرش باید یک مستطیل سفید سرد را بغل کند... مساحت ذوزنقه را تدریس می‌کرده و همزمان از ذهنش گذشته که مساحت قبر پسرش چقدر است. در هیاهوی متوازی‌الاضلاع و مساحت و محیط طول ضربدر عرض ضربدر ارتفاع همه شانزده سال زندگی پسرش گذشته از پیش چشمش... از لگد اولی که شانزده سال پیش زده تا همین دیشب که به گفته مادر دست‌هاتو بشور تا همین امروز صبح که گفته من با بچه‌ها می‌رم شط آب‌تنی... سودابه خانم معلم اساطیری این متن محکم ایستاده. شاید چانه‌اش کمی لرزیده و چروک شده باشد. شاید گوش‌هایش سوت کشیده بکشد. شاید صدایش کمی خش ور داشته اما از کلاس بیرون نزده... صبر کرده درسش را تمام کرده... خانم سودابه نجفی... معلم کلاس چهارم استان هرمزگان. کی گفته تاریخ تکرار نمی‌شود. خودشما الان بخشی از اسطوره‌های این سرزمین هستید.

یکی هستید مثل مادر حسنک آنجاکه ابوالفضل دبیر می‌گوید: و مادر حسنک زنی بود سخت جگرآور، چنان شنودم که از او این حدیث نهان داشتند، چون بشنید، جزعی نکرد، چنان که زنان کنند، بلکه بگریست به درد، چنان که حاضران از درد وی خون گریستند، پس گفت: بزرگا مردا که این پسرم بود و ماتم پسر سخت نیکو بداشت.